



نگاهی بر رویکردهای تربیتی امام سجاد(ع) در صحیفه سجادیه

معارف صحیفه سجادیه انسانها را در هر سطحی راهنمایی می کند و هر کس میتواند از آن بهره ببرد. گویی که امام(ع) هر کس را در هر مرحله ای که باشد بر حذر میدارد یا امیدوار می کند.

معارف صحیفه سجادیه انسانها را در هر سطحی راهنمایی می کند و هر کس میتواند از آن بهره ببرد. گویی که امام(ع) هر کس را در هر مرحله ای که باشد بر حذر میدارد یا امیدوار می کند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-علیرضا صفری: در عصر امامت امام زین العابدین علیه السلام (۶۱-۹۵ ه) جامعه اسلامی در یک بحران فکری و عقیدتی وحشتناک فرو رفته بود. بی تردید از پیش عوامل مختلفی در این بحران نقش داشتند که در این میان چند عامل از همه مهمتر به نظر می رسد:

۱. فاصله گرفتن جامعه از مکتب اهل بیت علیه السلام و محدودیتهای سیاسی برای امامان علیهم السلام از طریق منع نقل و نوشتن حدیث، مگر احادیث خاصی که خلفای قبل اجازه داده بودند.

۲. توطئه دستگاه جبار اموی در جهت دامن زدن به اختلافات فکری و مشغول کردن مردم به مسائل غیر مهم و بهره برداری سیاسی از آن، که در نتیجه فرصت تبیین و تحقیق در این مسائل از دست می رفت.

۳. گسترش دامنه فتوحات و مسلمان شدن سریع و بدون برنامه اقوام و ملل گوناگون با فرهنگهای متفاوت.

امام سجاد علیه السلام در راستای هدف بزرگ الهی خود که هدایت و رهبری جامعه اسلامی می باشد، در مقابل این انحرافات سکوت اختیار نکرد و با توجه به شرایط و اوضاع حاکم بر جامعه به مبارزه علیه این انحرافات پرداخت.

در چنین شرایطی، امام علیه السلام هم بر جریانهای فکری انحرافی درون جامعه شیعه نظارت داشت و هم بر جریانهای انحرافی دیگران، وقتی دید که بعضی از شیعیان گرفتار عقیده غلو شده اند و ممکن است امامان علیهم السلام را از شان بندگی بالا برده و به الوهیت آنها معتقد شوند، هشدار داد و فرمود: «ان قوما من شیعتنا سیحبونا حتی یقولوا فینا ما قالت البهود فی عزیر و ما قالت النصارى فی عیسی بن مریم فلا هم منا و لا نحن منهم»؛ جمعی از شیعیان ما در حدی ما را دوست خواهند داشت که درباره ما چیزی که یهود نسبت به عزیر و نصاری نسبت به عیسی بن مریم گفتند، خواهند گفت (و ما را فرزند خدا و شریک در الوهیت می شمارند). نه آنان از ما آیند و نه ما از آنانیم.

در چنین شرایطی بسیاری از مردم در حالت سردگمی به سر می بردند. بعثت انبیای الهی و در ادامه راه آنها، وجود ائمه معصومین(ع) برای هدایت و رسیدن بشر به کمال و قرب الهی است. در حقیقت خواست و اراده الهی بر این قرار گرفته که انسان همواره در مسیر زندگی خود از وجود راهنمایانی برخوردار باشد تا بتواند از تربیت الهی برخوردار گردد. هدف از تربیت، عبادت حق و در نتیجه شناخت خداوند متعال است. تربیت خلق فلسفه ی بعثت رسولان و مهمترین وظیفه اولیای الهی است. بر اساس آنچه بیان گردید، نوشتار پیش روی به بیان اهداف تربیتی و رویکردهای تربیتی امام سجاد(ع) می پردازد.

اهداف تربیتی دوران رهبری امام سجاد در سه محور خلاصه میشود:

۱. هدایت به حق و تمیز حق از باطل؛

جامعه عصر حضرت، یکی از دورانی پر چالش زندگی مسلمانان در جامعه اسلامی است. ترویج اندیشه های جبرگرائی، ورود اندیشه های از مکاتب هندو چین و دنیای روم و حتی ایران به دنیای اسلام، مسلمانان را با چالش های فکری و فرهنگی مختلفی مواجه ساخته و نهاد حاکمیت از همه این رویکردها جهت سلطه قدرت خود و به انحراف کشاندن مسلمانان سود می جست. در چنین شرایطی، امام یک روز با خطابه ی علی گونه، روز دیگر با تعلیم دعا و موعظه، گاهی با پرورش اصحاب و یاران و همچنین با گریه بر امام حسین و شهدای کربلا، در جهت هدایت و روشن گری فعالیت می کردند.

۲. اصلاح جامعه اسلامی؛

جامعه اسلامی بعد از رحلت نبی مکرم اسلام(ص) از مسیر اصلی خود خارج شد. از اینرو این وظیفه ائمه معصومین بود که ساختار و تفکرات انحرافی و غلط رایج در جامعه اسلامی را اصلاح نمایند. بر همین اساس است که امام حسین بر این هدف تأکید میفرماید، امام سجاد(ع) نیز آن را از خداوند طلب میکند. امام پاکیزگی زندگی خویش و اصلاح امت را در گرو عمل به اوامر و نواهی خداوند میداند و آن را از پروردگار طلب مینماید: «فأحینی حَیوَةً طَیِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أَرِیدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ حَیْثُ لَا آتِیَ مَا تَکْرَهُ وَ لَا آرْتَكِبُ مَا تَهْتِی عَنْهُ»؛ پس مرا زنده بدار به زندگی پاکیزهای که به آنچه میخواهم پیوسته شود در صورتی که آنچه را نمیپسندی به جا نیاورم و آنچه را نهی کردهای مرتکب نشوم.

۳. توحید محوری؛

توحید، محوری ترین برنامه همه انبیا و اولیای الهی است. از همین رو است که امام سجاد(ع) به تربیت بر مدار توحید تأکید میفرماید و از همین رو بر مفاهیمی مثل عبودیت، معرفت خدا، ایمان و تقوا تکیه میکند. مقصود از روشهای تربیتی شیوه هایی است که برای رساندن متربی به اهداف مورد نظر استفاده میشود. این اصول تربیتی برگرفته از مبانی عقلانی یا وحیانی است. به عنوان مثال در نظام تربیتی اسلام از آیه شریفه ی: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»؛ کرامت ذاتی انسان و حفظ عزت نفس متربی را اخذ میکنیم و برای اجرای این اصل تربیتی که حفظ و تقویت عزت نفس احساس شخصیت متربی را نتیجه میدهد، از روشهایی مثل تغافل و عفو و محبت نیز استفاده میشود. حال با در نظر گرفتن اهداف فوق، باید دید امام چگونه در این مسیر قدم بر می دارند. از این رو کلام و سیره ی امام چهارم را در این روش یادآور میشویم.

شاید در نگاه اول بیان این مسائل خیلی ابتدایی باشد، ولی در حالی که اگر با نگاه عمیق به عصر امام سجاد(ع) و حتی امروز خود داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که ما چقدر نسبت به خود و حیات پیرامونی خود در غفلت به سر می بریم و نیازمند هشدار و تذکر و سپس هدایت هستیم. ایجاد بصیرت و بینش صحیح نسبت به انسان و جهان از اهداف مهم انبیا است. بینش انسان درباره ی اعمال و رفتار هنگامی کامل میشود که از خویش و جهان اطرافش آگاهی داشته باشد، در این صورت است که این روش، مبتنی بر اصل تحول باطن میشود. امام سجاد این روش را در دو بخش تفکیک فرموده اند.

الف. بصیرت و شناخت به دنیای پیرامونی؛

از دیدگاه قرآن دنیا جایگاه امتحان و مسیر رفتن به سوی خداوند است. در ادعیه ی امام زین العابدین(ع) دنیا وسیله های برای نیل به مقصد و تنها گذرگاه برای سفر به جهان آخرت میباشد. بر این اساس است که در فرازی از صحیفه سجاده می فرمایند: «... وَارْزُقْنِی الرَّغْبَةَ فِی الْعَمَلِ لَکَ لِآخِرَتِی ... حَتّٰی یَکُونَ الْغَالِبُ عَلَی الزَّهْدِ فِی دُنْیَا»؛

خداوندا برای آخرتم رغبت در عمل برای خودت را روزیام قرار ده... تا این که بی رغبتی نسبت به دنیا بر من غالب باشد.

در دعای ابوحمزه نیز بینش صحیح نسبت به دنیا مورد توجه است. از آنجا که دنیا دوستی منشأ همه ی گناهان میباشد، امام از خداوند کمک میخواهد و میفرماید: «سَیِّدِی أَخْرِجْ حَبَّ الدُّنْیَا مِنْ قَلْبِی»؛ مولای من قلم را از دوستی دنیا خالی کن. این روش تربیتی، الگویی برای نیل به کمال است که براساس آن انسان دلیسته ی به دنیا نخواهد بود، بلکه آن را وسیله ای برای پرورش روح و راهپایی به دایره ی رضایت خداوند و مقام خلیفه الله ی میداند. در فرازی دیگر، از خداوند کفایت امور دنی را طلب میکند: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَخِیْمْ لِیْ یَخِیْرَ وَ اَکْفِنِیْ مَا اَهْمَنِ مِنْ اَمْرِ دُنْیَا...»

ب. بصیرت به وجود خود انسان؛

شناخت انسان و یا به عبارتی خود شناسی بسیار مهم است و مقدمه خودشناسی تعبیر شده است. از اینرو امام در فرازهای مختلفی انسان را به خود ارجاع می دهد تا بتواند شناختش را نسبت به خود افزایش دهد. در ادعیه ی امام انسان دارای حالات و جلوه های تربیتی متفاوت است. او باید استعدادها و محدودیت هایش را بشناسد تا از آنها در مسیر کمال استفاده کند. از نظر امام انسان دارای قابلیت هایی است که با بینش صحیح نسبت به خویش میتواند زمینه های رفتار پسندیده را فراهم سازد، بر این اساس تصحیح بینش انسان درباره ی خود یک روش تربیتی به حساب میآید.

همچنان که در قرآن، انسان فقیر و خداوند غنی حمید است، امام نیز به ضعف انسان اشاره کرده و میفرماید:

یا غنیّ الأغنیاء نحن عبادک بین یدیک، و أنا أفقر الفقراء إلیک، فاجبر فاقتنا یوسعک... در دعای ابوحمزه خود را نیازمند حمایت خداوند میدانند و حفظ خویش را در سایهی حمایت پروردگار طلب میکند: اللَّهُمَّ احسّنی بحراستک، واحفظنی بحفظک.

ج. دوری از غفلت و فراموش کاری؛

غفلت و فراموش کاری خصلت پسندیده نیست. از اینرو در این مسئله امام مدام با رفتار عملی در سیره خود به پیروانش هشدار می دهد. امام سجاد اعطای بینش مربیان به متربیّان را در رفتار نیز آموزش میدهد. زُهری میگوید: شبی سرد امام را در حالیکه مقداری آرد و هیزم حمل میکرد، دیدم. پرسیدم: چه چیز با خود دارید؟ فرمود: آهنگ سفری دارم و زاد و توشه برگرفتم. گفتم: غلام من حاضر است و به جای شما حمل میکند. فرمود: خیر خودم حمل میکنم و نفس خود را از چیزی که مرا در این سفر نجات میدهد باز نمیدارم. چند روز بعد امام را دیدم و عرض کردم: چنین سفری که فرمودید نمیبینم، فرمود: مقصودم سفر آخرت مرگ بود.

۲. عفو و بخشش: عفو و بخشش یکی از زیباترین خصلت های انسان است که در فرصت های سخت می تواند از خود بروز دهد و با این اقدام نه تنها خدا را راضی می کند بلکه به آرامش روحی و روانی خودش نیز می افزاید. بالاترین بخشش ها هم از آن خداست. حضرت زین العابدین در دعای شانزدهم صحیفه ی سجادیه خداوند را با وصف "عَفُو" میخواند و در دعای التجاء تربیت نفس انسانی را تنها در گرو گذشت خداوند از گناهان فرد میدانند. امام می آموزد که متربی باید متواضعانه در برابر مربی خطایش را بپذیرد:

اللهمَّ إن تشأ تَعْفُ عَنَّا فِیْضِلْکَ، و إن تشأ تُعَذِّبْنَا فِیْعَذِلْکَ، یا غنیّ الاغنیاء، هانحنُ عبادُکَ بینَ یدَیک، وَاَنَا افقرُ الفقراء إلیک، فاجبر فاقتنا یوسعک وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا یَمْنَعِکَ؛ بارالها،

اگر بخواهی ما را عفو کنی این از فضل و بخشش توست، و اگر بخواهی ما را کیفر نمایی براساس عدالت است، ای کسی که از همه ی اغنیای بی نیازتری، هم اکنون ما بندگان در پیشگاه تو حاضریم، و من محتاجتر از همه نیازمندان نسبت به عفو هستم، بنابراین ناداری ما را با وسعت خود جبران فرما و امید ما را با دریغ نمودنت قطع مگردان.

در دعای ابوحمزه نیز امام ضمن آموزش طلب عفو متربی از مربی با ذکر صفت رحمت الهی به بندگان خطاکار امیدواری میدهد تا در راه تربیت مأیوس نشوند و به حرکت خویش ادامه دهند: أنت یا إلهی أوسعُ فضلاً وأعظمَ حِلماً مِن أن تُقَاسِنی بِفِعلی وَخَطِئَتی، فَالْعَفُو فَالْعَفُو فَالْعَفُو؛ ای خدایی که فضل بی پایان و بردباری عظیم تو برتر از آن است که مرا با گناهام مقایسه نمایی، از من درگذر.

در سیره ی امام سجاد(ع) نیز بر روش عفو تأکید میشود و امام آن را در برابر نزدیکان، غلامان، شیعیان و مخالفان به کار میگیرد. عمادالدین طبری نقل میکند: روزی مردی از بستگان [حسن بن حسن] نزد امام آمد و به ایشان دشنام داد. امام در پاسخ او خاموش ماند. چون حسن از نزد حضرت بازگشت، امام به کسانی که نزد او نشسته بودند فرمودند: شنیدید این مرد چه گفت؟ میخواهم با من بیایید و پاسخی را که به او میدهم بشنوید. امام نعلین خود را پوشید و به راه افتاد و فرمودند: ... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

چون به خانه ی حسن رسیدند، امام فرمودند: بگوئید سجاد است. حسن بیرون آمد. او می پنداشت امام زین العابدین برای تلافی نزد او آمده است. علی بن الحسین فرمودند: "یا آخی، إن کُنتَ قُلْتَ مَا فِیَّ اسْتَغْفِرَ اللَّهُ مِنْهُ، وإن کُنتَ قُلْتَ مَا لیسَ فِیَّ فَعَفَرَ اللَّهُ لک؛ حسن به پای امام افتاد و بوسه زد و گفت: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ بَل قُلْتُ فِیکَ مَا لیسَ فِیکَ وَأَنَا أَحَقُّ بِهِ".

در این ماجرا امام با سکوت خود و رفتن به خانه ی حسن روش رفتاری عفو را به متربی خطاکار و دیگران آموزش داد؛ چرا که عفو و گذشت، علاوه بر فواید و آثار فراوان اخلاقی که در آیات و احادیث ذکر شده است، و خداوند خود را به این وصف توصیف فرموده است، در عمل به عنوان عامل مهمی در تعدیل روابط بین افراد و برقراری آرامش روانی نتیجه بخش میباشد. بخشش، علاوه بر ترسیم روابط بین افراد و کاهش تنش های اجتماعی، در تأمین سلامت روانی، کاهش اضطراب و افسردگی، عصبانیت و پرخاشگری، اختلالات عاطفی و رفتاری، افزایش اعتماد به نفس، و پیشرفت تحصیلی فرزندان بسیار مؤثر و کارآمد است.

در جمع بندی از مباحث فوق گفت، با بررسی کلمات امام سجاد(ع) و دعاهاى صحیفه سجادیه و توجه به درونمایه ها و مضامین آن، به این نتیجه میرسیم که کلمات امام سجاد(ع) دارای ادبیات سیاسى_ اجتماعی و اخلاقى است. امام سجاد(ع) راه رسیدن به خدا را، برای مردم کوتاه کرده است و به انسانها آموخته است که چگونه با خدای خود سخن بگویند و از او چه بخواهند.

امام (ع) همچنین معنا داری زندگى و معنای لذت واقعی را به انسانها می آموزد. در نهایت اینکه معارف صحیفه سجادیه انسانها را در هر سطحی راهنمایی می کند و هر کس به فراخور حال خود میتواند از آن بهره ببرد. گویی که امام(ع) هر کس را در هر مرحله ای که باشد بر حذر میدارد و به او امیدواری میدهد که با دو بال خوف و رجا حرکت کند . از یک سو میآموزد که غافل نشوند که راه دراز و پر نشیب و فرازی را در پیش دارند و از سو دیگر بدانند به عفو و بخشش خداوند امیدوار باشند و این حس را خودشان نیز تجربه کرده و از لذت ان برخوردار شوند.